

# تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های گفته‌پردازی در یسن‌های نهم و دهم اوستا<sup>۱</sup>

دکتر مرضیه اطهاری نیک عزم<sup>۲</sup>

سهراب احمدی<sup>۳</sup>

## چکیده:

در این مقاله سعی بر آن داریم که به بررسی ویژگی‌های گفته‌پردازی در یسن‌های نهم و دهم اوستا بپردازیم. یسن‌های نهم و دهم و یازدهم اوستا سه فصل از کتاب یسن‌های اوستا هستند که بر روی هم هوم یشت نام دارد، زبان یسن‌ها یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین بخش‌های اوستاست. یکی از نمودهای گفته‌پردازی ضمائر شخصی و شناسه‌های افعال به عنوان تکواژهای وابسته دستوری<sup>۱</sup> هستند که در یسن‌ها از جمله در یسن‌های نهم و دهم به روش‌های گوناگونی به کار رفته‌اند: اول شخص مفرد، اول شخص جمع، سوم شخص جمع، دوم شخص مخاطب و غیره که مدام تغییر کرده و این تغییر ضمائر و شناسه‌ها در گفته‌پردازی موجب اتصال و انفصال گفتمانی در یسن‌های نهم و دهم شده که خود سبب تولید معنا می‌گردد. از طرفی افعال وجهی خواستن، توانستن، بایستن و دانستن نقش مهمی را در معنای گفتمان ایفا می‌کنند. روش به کار رفته برای بررسی ضمائر، شناسه‌ها و افعال موثر نشانه‌شناسی مکتب پاریس است. هدف از این مقاله نشان دادن چگونگی تولید معنای عرفانی و شیوه گفته‌پردازی در یسن‌های نهم و دهم اوستا است.

**کلید واژه‌ها:** یسن نهم و دهم، گفته‌پردازی، ضمائر شخصی، افعال موثر.

<sup>۱</sup> نحوه ارجاع به مقاله:

اطهاری نیک عزم، مرضیه (۱۳۹۷): "تحلیل نشانه‌شناختی شیوه‌های گفته‌پردازی در یسن‌های نهم و دهم اوستا"، منتشر شده در [www.academyhonar.com/branches/semiotics/4923-avesta.html](http://www.academyhonar.com/branches/semiotics/4923-avesta.html)

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شهید بهشتی تهران، دبیر نشانه‌شناسی آکادمی هنر

پست الکترونیکی: [m\\_atharinikazm@sbu.ac.ir](mailto:m_atharinikazm@sbu.ac.ir)

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه علامه طباطبایی

## ۱. مقدمه

بنابر تقسیم‌بندی‌های زبان‌شناسی یکی از زبان‌های کهن ایرانی که اثر مکتوب از آن در دست است زبان اوستایی است. زبان اوستایی خود از زیر شاخه‌های خانواده زبانهای ایرانی باستان است که خاستگاه آن شرق و شمال شرق ایران بزرگ بوده و بر اساس موازین زبان‌شناسی نو به خانواده زبان‌های هندو اروپایی تعلق دارد. «اکنون بیشتر دانشمندان هم داستانند که این زبان به نواحی آسیای میانه و احتمالاً به نواحی خوارزم، تعلق داشته است و منظور از ایرانویج<sup>□□</sup> که در اوستا آمده، همین ناحیه بوده است.» (آموزگار، ۱۳۸۶: ۵۷).

طبق تقسیم‌بندی امروزی، کتاب اوستا از پنج بخش تشکیل شده است شامل یسن‌ها، ویسپرد، وندیداد، یشت‌ها و خرده اوستا. یسن‌ها مهم‌ترین بخش اوستا و دارای ۷۲ فصل یا "ها"ست. فصل‌های نه تا یازده که در بر دارنده ستایش ایزد هوم است را «هوم یشت» نامیده‌اند. «در اوستای نو، هوم به عنوان ایزدی توانا ستایش شده [...] هم اوست که سرور خانواده، روستا، شهر، کشور و مهمتر از همه «سرور دانش» خوانده می‌شود». (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۴) بزرگداشت هوم «از طریق ستودن و خواندن نیایش‌های خاص او و نیز از طریق نیاز و نثار دو آرواره، زبان و چشم چپ، قربانی برای اوست.» (همان، ۶) هم‌چنین هوم در آیین مزد یسنا گیاهی مقدس است که سود آوری بسیار دارد و افسره آن در آیین‌های مزدیسنايي نقش بسیار ایفا می‌کند و ما در متن اوستا شاهد ستایش این گیاه مقدس هستیم.

پرسش‌هایی که ذهن را می‌تواند درگیر کند این است که ستایش گیاه مقدس هوم با چه ساختاری و از چه طریقی صورت گرفته است؟ گفته پرداز از چه شیوه‌هایی برای تولید گفتمان خود استفاده کرده است؟ و چگونه با گذر از ضمائر مفرد به ضمائر جمع معنای وحدت در ستایش حاصل می‌گردد؟ زاویه دید چه نقشی در این گذار ضمائر ایفا می‌نماید؟ افعال وجهی با چه ساز و کاری به تولید معنای گفتمان کمک می‌کنند؟

فرض ما براین است معنای عرفانی متن بیشتر از طریق تغییر ضمائر و همچنین از طریق افعال وجهی به ویژه فعل دانستن حاصل می‌گردد که روند گفته‌پردازی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در واقع گفته‌پرداز با معرفی کنشگر "هوم" دائماً شناخت و باور مخاطبان را افزوده و در نهایت در یسن دهم به ستایش دسته جمعی "هوم" منجر می‌گردد که این ستایش ناشی از شناخت "هوم" می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که مخاطب به نوعی عرفان دست می‌یابد. منظور از عرفان در اینجا حقیقت واحدی است که به صورت ایزدان مختلف زردشتی یا پیش زردشتی از جمله هوم تجلی یافته است.

یکی از رویکردهایی که برای پاسخ به سوالات بالا می‌توان به کار گرفت نشانه-معناشناسی مکتب پاریس است که توسط الژیدراس ژولین گرماس<sup>□□</sup> در سال ۱۹۶۶ پایه‌ریزی شد که به دنبال آرای نظری فردینان دو سوسور زبانشناس سویسی و لویی یلمزلف زبان‌شناس دانمارکی در فرانسه نضج گرفت. در سال‌های اخیر با کوشش نظریه‌پردازی همانند ژاک فونتتی<sup>□□</sup>، دنی برتراند<sup>□</sup>، کلود زیلیبرگ<sup>□□</sup> و غیره پیشرفت‌های چشمگیری داشته و در حوزه‌های مختلف علوم انسانی در کنار سایر رویکردهای تحلیل متن، به واکاوی متون مختلف پرداخته است. در این مکتب روش‌های متعددی برای تحلیل متن تعریف شده است که در واقع هدف اصلی آن پیدا کردن ساختارهای معنا دار و معنا ساز در گفتمان است.

یکی از روش‌های نظری که در رویکرد نشانه-شناسی مکتب پاریس به آن پرداخته شده، مسئله گفته‌پردازی و شیوه‌های مختلف تولید گفتمان است. نظر به اینکه ما هم در تحلیل متن اوستا شیوه‌های مختلف گفته‌پردازی را بررسی خواهیم کرد، بنابراین چنین رویکردی را برگزیدیم.

در یسن‌های نهم و دهم یکی از عوامل معنا ساز جانشینی ضمائر مختلف، اتصالات و انفصالات گفتمانی بر اساس تغییر ضمائر، شناسه‌ها و چگونگی کاربرد افعال وجهی است. این افعال از نظر معنایی به پنج فعل خواستن، بایستن، توانستن، دانستن و باور کردن تقسیم می‌شوند. در پیکره مورد مطالعه این افعال با توجه به ضمیری که به آن‌ها ارجاع داده می‌شود و همچنین وجوهشان در تولید معنا نقش دارند.

این مقاله از سه بخش تشکیل شده است. پس از پیشینه تحقیق نخست چارچوب نظری، روش و رویکرد تحلیل متن توضیح داده خواهد شد، سپس اتصالات و انفصالیاتی که در گفتمان به دنبال تغییر ضمائر حاصل می‌شود و زاویه دید گفته‌پرداز را تغییر می‌دهد بررسی می‌کنیم. در پایان افعال وجهی و شیوه تولید معنا توسط آن‌ها را تحلیل می‌نماییم.

## ۲. پیشینه تحقیق

در مورد پیشینه پیکره مورد مطالعه، باید بیان کرد از قرن هجدهم پژوهش‌هایی در ایران و سایر کشورها انجام گرفته است، از جمله ی کسانی که در زمینه ی متون اوستایی قلم زده اند می‌توان به دانشمند آلمانی بارتلمه اشاره کرد که فرهنگ اوستایی او به زبان آلمانی، یکی از مهم ترین منابع مطالعات اوستایی می باشد. در فرانسه هم این مطالعات توسط جیمز دارمستر<sup>□□□</sup> و سپس کلنز<sup>□□□□</sup>، به صورت علمی انجام شده است. ژان کلنز در این زمینه چند کتاب به زبان فرانسه تالیف کرده که می‌توان به "نام‌های خاص در اوستا" (۱۹۷۴، ۱۳۵۳) و "افعال اوستایی" (۱۳۶۳، ۱۹۸۴) اشاره کرد. اضافه کنیم در زمینه ی متون اوستایی

بیشتر بررسی‌های دستوری از دیدگاه زبان‌شناسی تاریخی بوده است. به این ترتیب که در هر پژوهش متنی اوستایی انتخاب شده و ویژگی‌های دستوری و ریشه‌شناسی واژگان آن بررسی گردیده. در مورد هوم یشت به عنوان یک متن اوستایی نیز چنین مطالعاتی صورت گرفته است، از جمله می‌توان به مقاله ژان کلنز اشاره کرد که در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۸) با عنوان Note sur un emploi du datif dans le Hom-Yašt (یادداشتی در باب کاربرد حالت برایی در هوم یشت) در مجله آلمانی Die Sprache دی اشپراشه منتشر گردید. در این مقاله کلنز به بررسی حالت برایی در هوم یشت پرداخته است که از ویژگی‌های دستوری مهم اکثر زبانهای تصریفی می‌باشد. در ایران نیز چند رساله دانشگاهی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نگاشته شده، از جمله پژوهشگران، می‌توان منظر رحیمی ایمن را نام برد که در رساله دکتری خود تحت عنوان "بررسی هوم یشت" که در سال ۱۳۶۵ به راهنمایی آقای دکتر محسن ابوقاسمی دفاع گردید، هر سه فصل هوم یشت را بررسی کرده و علاوه بر بیان نکات دستوری، توضیحاتی در مورد ایزد هوم و کارکردهای آن داده است. دانشجوی دیگری به نام سکینه منصوری در سال ۱۳۷۳ در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان "صنایع بدیعی و آرایشهای هنر در یشت‌ها" به راهنمای آقای دکتر محمد رضا دستغیب بهشتی به بررسی آرایه‌های ادبی به کار رفته در هوم یشت پرداخته است. آقایان هادی قلیزاده، فیروز فاضلی و محمد کاظم یوسف پور در مقاله "تحلیل و دگردیسی گفتمان قدرت قدسی در ادبیات ایران از اوستا تا متون عرفانی" که در سال ۱۳۹۴ در فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی به چاپ رسیده اوستا را از منظر عرفان با تکیه بر ساختارهای زبان بررسی کرده‌اند. تحقیقات دیگر در زمینه‌ی متون اوستایی بسیار است که نگارندگان در فهرست منابع به اصلی‌ترین آن‌ها اشاره کرده‌اند. استفاده از رویکردهای جدید برای نقد متون، از جمله نشانه‌شناسی برای واکاوی متون اوستایی تاکنون به کار نرفته است

### ۳. چارچوب نظری تحقیق، رویکرد و روش

#### ۳-۱- رویکرد نشانه‌شناسی مکتب پاریس

موضوع علم نشانه‌شناسی چگونگی تولید معنا می‌باشد و حوزه بسیار وسیعی را شامل می‌گردد که تمام شاخه‌های علوم انسانی از فلسفه گرفته تا زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را در بر می‌گیرد. در واقع نشانه‌شناسی حوزه حضور و ظهور معناست که از خلال شکل‌های مختلف زبانی و همچنین از طریق گفتمانهای مختلف ظاهر می‌گردد. همانطور که فونتنی اظهار می‌دارد، «گفتمان دارای معانی مختلفی می‌باشد. میتواند مجموعه‌ای از جملات باشد، یا مجموعه‌ای از عبارات منجسم یا نتیجه گفته‌پردازی. که تعریف اول مربوط به حوزه زبان‌شناسی متنی، تعریف دوم زبان‌شناسی گفته‌پردازانه و تعریف آخر مربوط به فن بلاغت و کاربردشناسی زبان است. در تمام موارد، در تعریف گفتمان اندیشه‌ای حاکم است و آن این است که

گفتمان را می‌توان کلیتی در نظر گرفت که معنایش تنها از اضافه کردن عنصری به متن و یا ترکیب معنای قسمتهای مختلف آن حاصل نمی‌گردد.» (فونتنی، ۱۹۹۸، ۸۱). حال مسئله این است که چگونه معنا از طریق گفتمان حاصل می‌گردد. بنا به نظر ژاک فونتنی، «دورنمای روش تولید معنا در کاربرد ما را به قرار گرفتن در نظامهای نشانه‌ای و کاربرد آنها فرا می‌خواند، آنهم در لحظه‌ای که زبان درک زیسته و تجربه را به صورتی منسجم سامان میدهد تا بتوانیم از آنها معنا تولید کنیم. نشان دادن تجربه برای تولید یک گفتمان پیش از هر چیز کشف منطق آن، جهت متن، نظم آن و شکل و قالب هدمند آن و حتی ساختار آن است.» (فونتنی، ۱۹۹۸، ۱۸۳) منطقی که فونتنی برای متن توضیح می‌دهد شامل کنش، احساس و شناخت است که سه بعد اصلی گفتمان را در فرایند کاربرد زبانی می‌سازد.

لازم به ذکر است که نشانه‌شناسی مکتب پاریس ساختارهای معنایی متن را به دو قسمت سطحی و عمیق تقسیم کرده است. سطح تجسمی متن (فیگوراتیو) رویی‌ترین ساختار و یا ساختار سطحی متن است که جملات متن معنا را برای ما تصویر سازی کرده و مخاطب به واسطه تجربه‌های خود از دنیای بیرون آن را درک می‌نماید. و پس از آن با بعد کنشی (سطح روایی، نحو روایت، طرحواره روایی، مربع معنایی، مربع حقیقت نمایی)، بعد عاطفی (انواع مختلف به کار گیری افعال وجهی و نموهای افعال، طرحواره عاطفی) و یا بعد شناختی (گستره و فشاره متن، ارزشها، طرحواره تنشی) و دیگر موارد مواجه می‌گردیم که هر کدام چه در ساختاری سطحی و یا عمیق و ژرف به ساخت معنا کمک می‌کند. البته باید بدانیم که کدام بعد در گفتمان غالب می‌گردد، بعد کنشی قالب است و دیگر ابعاد را تحت کنترل خود دارد، بعد عاطفی و یا بعد شناختی. برای مثال در برخی متون ادبی، بعد کنشی بر گفتمان مسلط است، در متون فلسفی و حقوقی بعد شناختی، و غیره. حال باید به نکاتی که در گفتمان حائز اهمیت است پرداخت. از جمله این نکات گفته‌پردازی، اتصالات و انفصالات گفتمانی، زاویه دید گفته‌پرداز و افعال وجهی می‌باشد که به تحلیل و واکاوی متن ما کمک می‌کند و ما در ذیل به تعریف مختصری از آنها می‌پردازیم.

### ۲-۳- تعریف اتصالات و انفصالات گفتمانی

در تعریف گفتمان مطرح گردید که گفتمان نتیجه گفته‌پردازی است. باید اضافه کنیم که از طریق گفته‌پردازی چگونگی ساختار زبان از پیش تعیین می‌گردد، آنهم در ارتباط با موقعیتی که گفتمان در آن شکل می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت هر گفته‌ای مستلزم امر گفته‌پردازی می‌باشد و هر گفتمانی همواره یک فاعل دارد که به طور ضمنی نقش گفته‌پرداز و گفته‌یاب را همزمان ایفا می‌کند. همانطور که ژان کلود کوک اظهاری می‌دارد: «گفته‌پردازی یک واقعیت‌پدیدار شناسانه است که نقش

مرکزی داشته و به ادراکات ما وابسته است و به همراه آن ادراکات، استقرار فاعل را در دنیا با گفتمانش ملاحظه می‌نماییم» (برتراند، ۲۰۰۵، ۲)

مفهوم گفته‌پردازی و موضع‌گیری فاعل گفتمان مسئله اتصالات و انفصالات گفتمانی را مطرح می‌نماید که یکی از روشهای واکاوی متن می‌باشد. «دبریاج»<sup>۴</sup> در واقع در جهت انفصالی است که دنیای گفتمان از زمان اکنون رها می‌گردد و گفتمان شدت و فشاره اش کم شده و به گستره اش افزوده می‌گردد در مکانهای جدید، در زمانهای جدید و کنشگران جدید وارد صحنه می‌شوند. انفصال گفتمانی در واقع تکثر گراست و باعث گستردگی متن می‌گردد. دنیای جدیدی که در گفتمان خلق شده بی‌نهایت مکان؛ فضا، زمان و کنشگر را داراست، در مقابل امبریاج<sup>۵</sup> در جهت اتصال گفتمانی است. گفته‌پرداز در موضع خود قرار می‌گیرد و سعی دارد اکنون را درک کند و گفتمان به توصیف اکنون، اینجا و کنشگران حاضر (من/تو) می‌پردازد. اتصال گفتمانی از گستره صرفنظر کرده و اولویت را به فشاره و شدت می‌دهد. یعنی بر لحظه متمرکز میگردد». (فونتنی، ۱۹۹۸، ۹۴)

### ۳-۳- افعال وجهی

یکی از ارتباطات میان منطق، زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی نقش افعال وجهی در جمله است. افعال وجهی گزاره‌ای است که عبارت دیگری را تغییر میدهد و از عبارات توصیفی منتزع می‌باشد. برای مثال: «من کتاب می‌خوانم» یک عبارت توصیفی است در حالیکه «من میتوانم یا می‌خواهم یا بدم کتاب بخوانم» عبارات وجهی می‌باشند. از دیدگاه زبان‌شناسی افعال وجهی (خواستن، بایستن، توانستن، دانستن، باور داشتن، انجام دادن و بودن) نوع بازخورد گفته‌پرداز نسبت به گفتمان را مشخص می‌کند به عنوان نمونه: تحسین، قطعیت، عدم قطعیت، شناخت، احتمال و غیره. برای نشانه‌شناسان افعال وجهی بسیار مهم بوده و اندکی متفاوت از زبان‌شناسان آن را تعریف کرده‌اند. در تحلیل گفتمان از ارزش‌های وجه نما سخن به میان می‌آورند. ارزش وجه نما می‌تواند در کنار ارزش‌های توصیفی موضوعی باشد که کنشگر به دنبال آن است. برای مثال کنشگر میخواهد "توانستن" یا "دانستن" را به دست آورد. بنابراین در نشانه‌شناسی خود فعل وجهی ابژه (موضوع) می‌شود و کنشگران (سوژه‌ها) یا به سطح یکسانی از داشتن افعال وجهی می‌رسند که به آنها سوژه کمال یافته<sup>۴</sup> می‌گویند یا در انجام کنشها، تضاد و ناهماهنگی بین افعال وجهی برایشان به وجود می‌آید که آنها را سوژه‌های در کشمکش می‌نامند.<sup>۵</sup> در سوژه کمال یافته، تمام افعال وجهی به یک میزان وجود دارند در حالیکه در سوژه‌های در کشمکش افعال وجهی با هم درگیر می‌شوند و تضادی در دل سوژه ایجاد می‌

<sup>4</sup> sujet de plénitude

<sup>5</sup> sujet problématique

گردد برای مثال خواستن و توانستن را دارد ولی نباید آن کنش را انجام دهد و در این وضعیت با سوژه حالتی مواجهیم: خشم، افسردگی، اضطراب، ناامیدی، (برتراند، ۲۰۰۰: ۱۹۶-۱۹۲)

بنابر نظر ژاک فونتنی مفهوم فعل وجهی بسیار ویژه است، گزاره ای است که گزاره دیگری را به همراه خود دارد. به عبارت دقیق تر، گزاره ای است که دورنمای گفته پردازی در گفتمان را بیان می کند که یکی از شرایط تحقق عینی گزاره اصل می باشد به بیان دیگر فعل وجهی وابسته به کنشگری است که گفتمان را تحت کنترل خود دارد. این کنشگر به مثابه کنشگر اصلی که موقعیتش در گفتمان تثبیت شده به گفته پردازی در آن گفتمان با آن شرایط شرکت دارد و بازنمایی یکی از نمودهای متعدد گفته پردازی را بر عهده دارد (فونتنی، ۱۹۹۸، ۱۶۴).

### ۳-۴ - زاویه دید

زبان شناسان معتقدند زاویه دید جریانی است که به چیدمان و صورت بندی عناصر نحوی مربوط می شود؛ حال آنکه نشانه-معناشناسان بر این باورند معنا پیش از هر چیز زاییده ی دنیای گفتمان است و فقط تحقق آن است که در متن روی می دهد. بنابراین، "نقش اصلی زاویه های دید که ناظر بر جهت مندی گفتمان هستند و غایت مندی آن را تضمین می کنند، این است که معنای خود را بر متن و نظام نحوی تحمیل کنند؛ پس زاویه دید متعلق به دنیای گفتمان و دنیای معناست. (شعیری، ۱۳۸۵: ۷۹). به این ترتیب منظور از زاویه دید زاویه دید در گفتمان است. زاویه دید گفتمانی در واقع ناظر بر رابطه ای است که نویسنده با داستان و شخصیت های داستانی دارد. از طریق استراتژی های مختلف زاویه دید، پنجره هایی جدید پیش روی گفته یاب باز می شود و شناخت ایجاد می شود؛ در واقع نگاه هدفمند می گردد.

ژاک فونتنی در کتاب *نشانه-معناشناسی و ادبیات* (۱۹۹۹) نظریاتی در باب مفهوم زاویه دید بیان می کند و نشان می دهد که این مفهوم تحولات گفتمانی و رویکردهای چند صدایی گفتمان را در بر می گیرد. او همچون نظریه پردازان دیگر معتقد است که زاویه دید در جهت گیری گفتمان بسیار موثر بوده و نقشی تعیین کننده دارد. در نتیجه مفهوم زاویه دید به کنشی معناشناختی تبدیل می شود. (ص: ۴۳). ژاک فونتنی معتقد به دو عامل موقعیتی است که آن ها را عامل مبدأ و مقصد می نامد و سپس بین آن ها یک غایت مندی قائل می شود که سبب ایجاد نوعی رابطه ی معنادار می گردد. این رابطه بین دو عامل موقعیتی، مسیر توجهی است که از مبدأ تا مقصد جریان دارد و با عنوان زاویه دید شناخته می شود که با در انحصار قرار دادن، محدود کردن و انتخاب کردن به شناخت منجر می گردد؛ زیرا به گونه ای خاص بر مسئله ای متمرکز شده و نگاه از میان همه ی ممکن ها بر یک ممکن معطوف می گردد. لازم است اضافه کنیم، ژاک فونتنی چهار گونه راهبرد برای زاویه دید مطرح و تعریف می کند،

کل نگر، تجمعی، انتخابی و جز نگر. «راهبرد کل نگر، زاویه گفته‌پرداز دانای کل است که در برخی موارد از موقعیت گفتمان و حتی از جزئیات روایت [...] فاصله زیادی می‌گیرد و هدفش تسلط بر موقعیت و درک حالت و وضعیت امور است و برای یک کل منجسم ارزش قائل می‌شود.» راهبرد تجمعی "این نوع راهبرد وجوه مختلف یک موقعیت یا یک چیز را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد."

راهبرد انتخابی «این راهبرد از میان تمام جنبه‌ها بهترین نمونه را بر می‌گزیند، [...] جنبه برگزیده مورد توجه قرار می‌گیرد و گفتمان را بر آن متمرکز می‌سازد.» راهبرد جز نگر، «این راهبرد نزدیک بین و ریزنگر است و هیچ ارزشی برای مجموعه‌های بزرگ قائل نیست. در واقع این نوع راهبرد بخشی از یک چیز را جدا کرده و ویژگی‌ها و خصوصیاتش را با دقت بررسی می‌کند.» (فونتنی، ۱۹۹۹: ۵۲-۵۱). در قسمت تحلیل ما نشان خواهیم دید از چه راهبردهایی در گفتمان یسنهای اوستا استفاده شده است.

علاوه بر تعارف بالا، مسئله دیگری که به معناسازی در این متن اوستا کمک می‌کند و در ارتباط با اتصالات و انفصالات گفتمانی و زاویه می‌باشد ضمائر است که در ذیل به تعریف و بررسی انواع آن می‌پردازیم.

### ۳-۵ - ضمائر، شناسه‌ها و شیوه‌جانشینی آنها در متن اوستا

بر اساس دستور زبان اوستایی ویلیام جکسون ضمائر در اوستا به ضمائر شخصی، موصولی، پرسشی اشاره ای تقسیم می‌شوند. «ضمائر شخصی [...] دارای خصوصیات و حالات ویژه ای در صرف هستند. این ضمائر در برخی حالات بر حسب موقعیت خود در جمله (تکیه دار، بدون تکیه و پیوسته) شکل کامل یا کوتاه می‌گیرد.» (جکسون، ۱۸۹۲: ۱۱۱-۱۱۰) همانگونه که قبلاً اشاره شد ضمائر در اوستا بر اساس جایگاه خود در جمله حالت دستوری می‌پذیرند و ضمائر «شخصی در ایرانی باستان [شامل اوستایی] جنس ندارند. این ضمائر صرف می‌شوند و سه شمار مفرد و مثنی و جمع دارند.» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۲: ۱۳). همچنین از شش حالت دستوری نهادی، رای، بایی، برای، ازی و وابستگی پیروی می‌کنند. (همان، ۱۱۱-۱۰۹). راجع به شناسه باید اذعان داشت که شناسه‌های افعال براساس دسته بندی واژه شناسی اروپا، تکواژهای دستوری وابسته تصریفی هستند که گاهی به جای ضمائر منفصل تولید معنا میکنند. و در زبان اوستا مثالهایی از این دست به وفور دیده می‌شوند.

در یسن‌های نهم و دهم ضمائر و شناسه‌ها به صورتهای گوناگونی به کار رفته اند که برای نمونه چند شاهد-مثال می‌آوریم:

مثال اول:



haomō. ašauua. dūraošō: azəm. ahmi. zaraθuštra.: haomō. ašauua. dūraošō: ā. maṃ. yāsaṃuha. spitama frā. maṃ. hunuuauṃuha. x<sup>v</sup>arətē. aoi. maṃ. staomaine. stūiḍi. yaθa. mā. \*aparaciṭ. saošiiantō. stauuaṃ.

«من هوم اشوی دور دارنده مرگم؛ ای زردشت مرا بجوی، ای سپیتمه، مرا برای خود بگیر برای آشامیدن، مرا بستای برای

ستودن چنانکه سوشیانسهای دیگر نیز خواهند ستود.» (یسن ۹، بند ۲) (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۸۸)

در بند بالا ضمیر اول شخص مفرد نهادی azəm و شناسه گذرا برای افعال مضارع در ah, ahmi ریشه فعل بودن است که به دنبال آن شناسه mi اول شخص مفرد آورده شده است.

مثال دوم:

tūm. ^zəmərgūzō. l ākərənauuō. vīspe. daēuua. zaraθuštra. yōi. para. ahmāṭ. vīrō. raoda. apataiien. paiti. āiia. zəmə

«تو ای زرتشت همه دیوان را به زیر زمین نهان کردی که پیش از این مردروی (= به شکل آدمی) بر این زمین می رفتند.»

(یسن ۹، بند ۱۵) (همان، ۹۱)

در این بند tum ضمیر دوم شخص مفرد نهادی ākərənauuō. در این فعل ریشه kərə می باشد که دارای پیشوند ā می باشد. فعل در ماده مضارع ساخته شده و شناسه آن ō میباشد که ضمیر دوم شخص مفرد گذراست.

مثال سوم:

āat. aoxta. zaraθuštrō: nəmō. haomāi. kasə. θβaṃ. paoiriō. haoma. mašiiō: astuuaiθiāi. hunūta. gaēθiāi.

«بدو گفت زرتشت: نماز (درود) به هوم که تو را نخستین بار ای هوم در میان مردمان خاکی جهان آماده ساخت.» (یسن ۹، بند

۳) (همان، ۸۸)

در فعل aoxta، a شناسه سوم شخص مفرد می باشد.

مثال چهارم:

aēibiš. yōi. auruuantō. hita. taxšənti. arənāum. zāuuarə. aojāsca. haomō  
baxšaiti haomō. āzīzanāitibiš. daḍāiti xšaētō. puθrīm. uta. ašauua. frazaīntīm::haomō.  
taēcīṭ. yōi. kataiō. naskō. frasāṅhō. āṅhənte spānō. mastīmca. baxšaiti.

سوم شخص جمع:

« هوم به آن دلیرانی که در پیکار اسب تازند زور و نیرو بخشد، بزایندهگان (به زنان زاینده) پسران نامور (و) فرزندان آن پارسا دهد،

هوم به آنانی که به میل در آموزش نسک نشینند تقدس و فرزاندگی بخشد. » ( یسن ۹، بند ۲۲ ) ( همان، ۱۶۶-۱۶۵ )

Yōi ضمیر موصولی سوم شخص جمع مذکر در حالت نهادی می باشد. در baxšaiti، ti شناسه گذرای مضارع سوم شخص

مفرد است.

مثال پنجم:

haoməm. zāirīm. bərəzantəm yazamaide haoməm frāšmīm frādat gaēθəm. yazamaide: haoməm. dūraošəm. yazamaide:vīspe. haoma. yazamaide:: zaraθuštrahe. spitāmahe. iða. ašaonō. ašīmca frauuašīmca. yazamaide::

«هوم زرین بزرگ را می ستاییم هوم ... جهان افزا را می ستاییم، هوم دور دارنده مرگ را میستائیم، همه هومها را میستائیم

اینک پاداش و فروهر زرتشت سپیتمان پاک را میستائیم.» ( یسن ۱۰، بند ۲۱ ) (پور داود، ۱۳۱۶: ۱۷۱)

در فعل yazamaide، maide اول شخص جمع ناگذر است که مرتب تکرار میگردد و به معنای می ستاییم می باشد. این تکرار

بر وحدت و یگانگی ستایشگران هوم دلالت می کند.

همانطوری ملاحظه میکنیم، ضمائر و شناسه‌ها از اول به سوم شخص و از مفرد به جمع و از منفصل به متصل در حال گذر

است. و این نشان از آن دارد که گفته پرداز گفتمان از وضعیتی به وضعیت دیگر تغییر می کند و سبب به وجود آمدن اتصالات و

انفصالات در گفتمان می گردد.

#### ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱- اتصالات و انفصالات گفتمانی در اوستا

در مورد گفته‌پردازی در هوم یشت اوستا باید گفت که گفتمان تحت کنترل سه کنشگر است و همان‌طور که در قسمت قبل

توضیح دادیم با گردش ضمائر نیز مواجه هستیم که موجب به وجود آمدن اتصال و انفصال در گفتمان می‌گردد. در ابتدای یسن

نهم، گفته‌پردازی با ضمیر سوم شخص مفرد آمده در این معنا که گفته پرداز از گفتمان غایب می باشد و انفصال گفتمانی را به

وجود می آورد. البته این عدم حضور به معنای نقصان درک از گفت‌وگویی میان زردشت و هوم یعنی دو کنشگر غالب نیست.

جالب آن است که در این حالت انفصالی، گفته پرداز غایب راهبرد کل نگر را برگزیده که تمام موقعیت را تحت تسلط خود داشته

باشد. در واقع میتوان با توجه به سیاق متن اوستایی، گفته پرداز را وجودی متعالی یا به باور ایرانیان اهورامزدا در نظر گرفت که

در کتاب اوستا در کنار سایر ایزدان نقش محوری ایفا می‌کند و وجود برتر است. این مسئله متأسفانه از منظر ساختارهای رویی زبان قابل اثبات نیست بلکه با مراجعه به تفسیرهای اوستا که کمک به درک مفاهیم مزدیسنايي میکند، به دست می‌آید. برای مثال پورداود می‌نویسد: «اهورا مزدا آفریننده زمین و آسمان [است] کسی که همیشه بوده و خواهد بود کسی که از همه چیز آگاه و همه را بیناست. [...] آنچه در بالا و پایین است جمله را یک آفریننده و سازنده است جز از او کسی شایسته ستایش نیست.» (پور داود، ۱۳۷۷: ۳۶).

در بند اول، اهورا مزدا از دو کنشگر زردشت و هوم سخن به میان می‌آورد: «در هنگام فشردن، هوم زردشت را (= به زردشت) نزدیک شد. [...] زردشت او (=هوم) را پرسید: کیستی ای مرد، که من (تو را) زیباترین همه هستی استومند (=مادی) دیده‌ام. (به سبب زندگی درخشان بی مرگ خویش؟)» (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۸۸)

سپس در بند دوم راهبرد گفته‌پرداز تغییر کرده و تبدیل به راهبرد انتخابی<sup>۶</sup> می‌گردد که در این بند گفتمان بر زاویه دید کنشگر متمرکز شده و ضمیر «من» برای گفته‌پردازی به کار رفته که با توجه به ادامه گفتمان به زردشت بر می‌گردد، یعنی ضمیر غایب بند اول به ضمیر معلوم «من = زردشت» تغییر یافته است. «پس به من این هوم اشوی (= پرهیزگار، مقدس) دور دارنده مرگ پاسخ گفت: «من هوم اشوی دور دارنده مرگم: ای زردشت! مرا بجوی ای سپتمه، مرا برای خود بگیر...» (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۸۸) بنابراین این گفته‌پرداز از اهورا مزدا به زردشت (= من) تغییر یافته و در این شرایط گفته‌پرداز از حالت انفصال به حالت اتصال در گفته‌پردازی<sup>۷</sup> میرسد و «این حالتی است که در آن گفته‌پرداز به فاعل گفتمانی بزرگشت می‌کند» (برتراند، ۲۰۰۰: ۲۶۱). و همزمان راهبرد خود را تغییر داده و دو کنشگر را برگزیده است. با این راهبرد، مسئله عجیبی در گفتمان اوستا رخ میدهد، در عین اینکه خود گفته‌پرداز در حالت اتصال در گفته‌پردازی است ولی فاعل گفتمان نیست زیرا کنشگر هوم به مثابه فاعل سخن می‌گوید که گفته‌پرداز را در حالت انفصال گفتمانی<sup>۸</sup> قرار می‌دهد در حالیکه خود متصل به گفته‌پردازی است.

در بند سوم بار دیگر گفته‌پرداز تغییر یافته و اهورا مزدا یا همان ضمیر غایب، گفتمان را به دست می‌گیرد و از دو کنشگر دیگر روایت میکند: «پس زردشت گفت: نماز به هوم! که (چه کسی) از مردم تو را نخست، ای هوم تو را برای جهان اتومند فشرد؟ چه پاداشی به او بخشیده شد، چه آیفتی (=نعمت، مزد) برای او آمد؟» (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۸۸) و وجود کنشگرانی همانند زردشت و هوم حالت انفصال گفتمانی را نشان میدهد.

<sup>6</sup> stratégie élective

<sup>7</sup> embrayage énonciatif

<sup>8</sup> Débrayage énonciatif

لازم به ذکر است که در دوبند دوم و سوم که منادا به کار گرفته شده (ای زردشت! ای هوم!)<sup>۹</sup> گویی حضور دو غایب است، حضور نموده‌های گوناگون در درون و دل گفته پرداز. می توان گفت آنها ظاهرا از گفته پرداز انفصال پیدا کرده اند که آن را "انفصال گفتمانی"<sup>۱۰</sup> نامیدیم و دنیای "او" را در اوستا به تصویر می کشد. ولی در عین حال، منادا در گفته پرداز نیز دخیل است. در کتاب "دستور زبان روشمند فرانسه" می خوانیم که « منادا به گفته پرداز وابسته است. در واقع منادا اشاره به شخصی یا چیزی دارد که مخاطب به او خطاب می کند. مخاطب به وضوح در گفتمان گیرنده پیام را انتخاب می کند» (ریگل و دیگران، ۱۹۹۴: ۴۶۴). بدین ترتیب، منادا در اتصال با گفته پرداز است، زیرا حالت ندایی "ای" نشان از ظهور من/تو دارد و بنا به گفته ژ. فونتنی حضور همزمان (من و تو) نوعی اتصال در گفته پرداز را نشان می دهد. بدین ترتیب همزمان دو حالت انفصال گفتمانی و اتصال در گفته پرداز وجود دارد. بند چهارم از همان قاعده بند دوم تبعیت میکند، به این صورت که دوباره "من" ظاهر میگردد که نشان از اتصال در گفته پرداز دارد و گفتگوی میان زردشت و هوم انفصال گفتمانی را به وجود می آورد.

از بند پنجم تا پایان بند پانزدهم، گفته پرداز گفتمان را به دو کنشگر واگذار میکند. ولی خود از گفتمان غایب نمی باشد و همانند بندهای اول و سوم راهبرد کل نگر را برگزیده است. گفتمان در ابتدا سوالات زردشت از هوم می باشد که با پاسخهای دقیق هوم، نه تنها زردشت بلکه گفته یاب (مخاطب فرضی) نیز به دانشی علاوه بر شناخت ظاهری بند اول در مورد هوم دست می یابد. و از بند سیزدهم گفته پرداز غایب با به کار گیری راهبرد انتخابی، گفته پرداز را به هوم واگذار میکند که راجع به زردشت اطلاعاتی به دست میدهد. ولی در بند پانزدهم در گفتمان دو مخاطب ظاهر می گردد، مخاطب نخست زردشت: « تو ای زردشت همه دیوان را به زیر زمین نهان کردی که پیش از این مرد روی (= به شکل آدمی) بر این زمین می رفتند.» (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۹۱) و مخاطب دوم غایب می باشد و گفته پرداز برای شناساندن زردشت، ضمیر او را به کار می گیرد: « او (=زردشت) کسی است که تواناترین، فهیم ترین، چابک ترین، تند ترین، پیژ ترین آفریدگان دو مینو است.» (همان، ۹۱) بنابر سیاق گفتمان، گفته پرداز می تواند هوم باشد که خطاب به اهورا مزدا در مورد زردشت مطالبی را بیان میکند یا برعکس اهورامزدا به عنوان گفته پرداز غایب وارد گفتمان شده و خطاب به هوم راجع به زردشت می گوید. بنابراین فاعل گفتمان می تواند « اهورامزدا» یا «هوم» یا هر دوی آنها باشد.

<sup>۹</sup> لازم به ذکر است حالت ندایی در اوستا در صرف خود کلمه می باشد و از حرف ندای «ای» استفاده نشده است. و نشانه حالت آن برای کلمات مختوم به A، A می باشد. که در مثالهای بالا دو ستاک به A ختم شده اند: zaraoštra Haoma

در ادامه در بند شانزدهم اهورا مزدا راهبرد کل نگر را برگزیده و گفته‌های زردشت را در مورد هوم بیان می‌دارد که در واقع زردشت و اهورامزدا تا مرز یکی بودگی پیش می‌روند. ولی در ادامه بلافاصله راهبرد انتخابی بر می‌گزیند و از زبان زردشت ضمیر «من» را به کار میبرد که یکی بودگی کامل اتفاق می‌افتد. در واقع از بند هفدهم تا بند بیست و یکم زردشت خواسته‌های خود را از هوم بیان میکند که همان خواسته‌های اهورا مزداست. ضمیر من و تو در گفتمان مسلط است و فاعل گفتمان زردشت می‌باشد که در عبارت «از تو می‌خواهم» به خوبی مشهود است. «این نخستین خواست را ای فرو دارنده مرگ از تو می‌خواهم...» (همان، ۹۲). گفته پرداز همانند بندهای اول و دوم از اهورامزدا به زردشت تغییر یافته است.

در بند بیست و یکم با شناسه اول شخص جمع «ما» مواجه می‌گردیم که اتصال گفته پرداز با کنشگران است. در واقع شناسه اول شخص مفرد به اول شخص جمع تغییر می‌یابد. گویی همه با هم از یک زاویه دید عقیده خود را اظهار می‌دارند: «این ششم خواست را ای هوم دور دارنده مرگ از تو می‌خواهم: پیشتر دزد را، پیشتر راهزن را، پیشتر گرگ را ببوئیم (دریابیم)، هیچ کس پیشتر ما را نبوید (در نیابد)، همه را پیشتر ببوئیم (دریابیم)». (همان، ۹۲) تا قبل از این بند، یا اتصال میان اهورا مزدا و زردشت بود و یا اتصال میان اهورا مزدا و هوم ولی در این بند هر سه به وحدت می‌رسند.

از بند بیست و دوم تا پایان بند بیست و چهارم، گفته پرداز بار دیگر از کنشگران فاصله گرفته و به صورت غایب و راهبرد کل نگر به توضیحاتی راجع به کنشگر «هوم» می‌پردازد. به عنوان نمونه می‌خوانیم: «هوم آنها را (دوشیزگان) را که دیر  $\langle$ زمان $\rangle$  دوشیزه (بی شوهر) بنشینند تیز (=تند، فورا) تیمار دار  $\langle$ و $\rangle$  سرور می‌دهد، اگر  $\langle$ ز آن $\rangle$  نیک خرد خواسته شود.» (همان، ۹۳) از بند بیست و پنجم تا بند بیست و نهم، گفته پرداز یزی به زردشت واگذار می‌گردد که به مدح و ستایش کنشگر «هوم» اختصاص داده شده است. «خوشا به تو ای هوم که با نیروی خویش کامه خدایی (=مستقلی، آزادی)...» (همان، ۹۳) که در واقع به نوعی اتصال اهورامزدا و زردشت و انفصال هوم درک می‌گردد. در اواسط بند بیست و نهم ضمیر «ما» آورده شده است که بار دیگر گفته پرداز با کنشگران یکی می‌گردد، گویی همه با هم خواست یکسانی داشته و به یک پیکره تعلق دارند و شناسه فعل تمنایی نیز موید آرزوی یکسان آنهاست «با دو پا متواناد، به دو دست متواناد، زمین را مبیناد با دو چشم، گاو را مبیناد با دو چشم، کسی که کینه ورزد منش ما را، کسی که کینه ورزد (=آزار رساند) پیکر ما را.» (همان، ۹۴) و سپس زردشت به عنوان گفته پرداز گفتمان را ادامه می‌دهد و تا پایان یسن نهم به ستایش هوم می‌پردازد.

در یسن دهم نیز کما بیش با همین شیوه گفته‌پردازی مواجهیم، ولی باید اذعان داشت در اکثر موارد با ضمیر و یا شناسه «من» بیان شده که در واقع زردشت در اتصال با اهورا مزدا می‌باشد. به عنوان نمونه می‌خوانیم: «نماز به هوم که منش درویش را چون آن توانگر بزرگ کند.» (پور داود، ۱۳۸۷: ۱۷۴، بند ۱۳ یسن ۱۰)

« از برای پنج چیز هستم، از برای پنج چیز نیستم: از برای پندار نیک هستم، از برای پندار زشت نیستم... » (همان، ۱۷۶) و در پایان یسن دهم این وحدت با شناسه ما به طور صریح بیان شده است که در ابتدای بند بیست و یکم اهورامزدا و زردشت فاعل گفتمان گردیده و به ستایش کنشگر هوم می پردازند: «هوم زرین بزرگ را می ستاییم، هوم... جهان افزا را می ستاییم...» (همان، ۱۷۷) و سپس اهورا مزدا و هوم در اتصال قرار گرفته و زردشت را می ستایند: «اینک پنداش و فروهر زردشت سپیتمان پاک را می ستاییم. » (همان، ۱۷۷) و در نهایت این وحدت با «ینگه هاتم» به اوج می رسد و یسن دهم پایان می یابد. "ینگه هاتم" دعایی است که با فعل *yazamaide* (می ستاییم) پایان می یابد. دعا در واقع نوعی در خواست است که کنشگران را به فعل وجهی «خواستن» پیوند می دهد که موضوع بعدی ما می باشد.

#### ۴-۲- نقش افعال وجهی در تولید معنا

در پیکره مورد مطالعه در ابتدا با کنشگری مواجیم (زردشت) که در مسیر "خواستن دانستن" است. در واقع این "دانستن" به عنوان ابژه ای (موضوعی) است که از رهگذر آن گفته یاب فرضی نیز به شناخت می رسد. « زردشت او را (هوم را) پرسید کیستی ای مرد، که من <تو را> زیباترین همه هستی استومند (= مادی) دیده ام.» (راشد محصل، ۱۳۶۴: ۸۸)

و جالب آنکه در بند اول کنشگری که واسطه میان کنشگر (زردشت) و موضوع ارزشی (دانستن) بود (هوم)، در بند دوم خود، به موضوع ارزشی برای کنشگر (زردشت) بدل می گردد و این جابجایی قابل توجه است. « پس به من این هوم اشوی (=پرهیزگار، مقدس) دوردارنده مرگ پاسخ گفت: "من هوم اشوی دور دارنده مرگم، ای زردشت! مرا بجوی ای سپیتمه، مرا برای خود برای آشامیدن؛ مرا بستای برای ستودن چنانکه سوشیانسه‌های دیگر نیز خواهند ستود.» (همان، ۸۸)

از بند سوم تا پایان بند سیزدهم، کنشگر آغازین همواره در مسیر "دانستن" است. زردشت می پرسد و هوم پاسخ می گوید. و این پرسش و پاسخها گفته یاب فرضی را نیز به شناخت می رساند. پس از مرحله "دانستن" به مرحله "خواستن" میرسد که از بند نوزدهم با خواسته های زردشت از هوم مواجه می گردیم. « این نخستین خواست را ای هوم دور دارنده مرگ از تومی خواهم: بهترین زندگی روشن دارای همه آسایش پرهیزگاران را، این دیگر خواست را ای هوم دور دارنده مرگ از تو می خواهم، درود (=سلامت) این تن... » (همان، ۹۲) و این مودال تا پایان بند بیست و یکم ادامه می یابد.

از بند بیست و دوم تا بیست و چهارم که به شناخت «هوم» به عنوان ابژه (موضوع) دانایی اختصاص داده شده است افعال وجهی در رابطه با این کنشگر به کار می‌رود. جالب آن است که در این بندها همانطوری که پیش از این توضیح داده شده، گفته پرداز راهبرد کل نگر را برگزیده است یعنی به کل موقعیت مسلط بوده‌و دارای شناخت کافی نسبت به هوم می باشد و سعی دارد بقیه کنشگران را به این شناخت برساند و هوم نیز به عنوان سرور دانایی و توانایی نقش محرک<sup>۱۱</sup> را ایفا می نماید و به کنشگرانی که در کشمکشند توانایی و یا دانایی میبخشد. «هوم به آنان که اسبان اروند ارابه را به نبرد می رانند زور و نیرو می بخشد» (همان، ۹۲) در اینجا می بینیم هوم به کنشگر در حال کسب توانایی موضوع ارزشی "توانستن" را اعطا می کند. به همین ترتیب به دو کنشگر بعدی یعنی «خواهان» (و=نسک پسران بنشینند، افزونی (=پاکی) و فرزانی می بخشد.» و «آن ها را (=دوشیزگان) که دیر <زمان> دوشیزه (=بی شوهر) بنشینند تیز (=تند،فورا) تیماردار <و> سرور می دهد، اگر <از آن> نیک خرد خواسته شود.» (همان، ۹۳-۹۲). در اینجا نیز هوم به دو کنشگر، دانایی می دهد.

شایان ذکر است که بلافاصله در بند بعد شاهد فعل وجهی تحسینی هستیم که بیانگر تحسین گفته پرداز نسبت به کنشگر است و این تحسین ناشی از شناخت هوم می باشد. «خوشا به تو ای هوم که با نیروی خویش کامه خدایی (=مستقلی، آزادی)، خوشا به تو که در می یابی سخنان بسیار درست گفته شده را! خوشا به تو که نمی پرسی سخن درست گفته شده را با پرسش درباره ی آن» (همان، ۹۳).

همچنین باید گفت که گفته پرداز (زردشت) در جستجوی همان میزان توانایی و دانایی هوم می باشد: «تو را فرا می خوانم برای نیرو و پیروگری و برای تتم و برای نیک بختی پر نجات» (همان ص ۹۳-۹۴). به همین ترتیب مدد گرفتن از توانایی "هوم" تا پایان یسن نهم ادامه می یابد.

حال که همه به شناختی از هوم رسیده اند، در یسن دهم به تحسین و ستایش هوم و همه ارکان طبیعت که با هوم در ارتباط هستند می پردازند. در واقع این ستایش، تحسین دانایی و توانایی "هوم" است. «ستایم زمین فراخ پهن کارفرمای بخشایش گر در بردارنده ی تو را، ای هوم پاک؛ ستایم سرزمینی را که تو از آنجا به سان یل (گیاهان خوشبو) و گیاه خوب مزدا می رویی، ای هوم، بروی بر زبر کوه و نمو کن در همه جا به درستی تویی سرچشمه ی راستی» (پوردادو، ۱۳۸۷: ۱۷۱)

در واقع در یسن دهم فعل موثر «خواستن دانستن»<sup>□□□</sup> بر سایر افعال مدال غلبه کرده و سایر افعال در کنترل مودالیتیه ی "خواستن دانستن" است، بدین معنا که هر کنشگری نیرو و توانایی هوم را بطلبد ستایش شده و هر کنشگری که مخالف توانایی و دانایی هوم باشد نابود می گردد.

<sup>11</sup> Destinateur

## ۵- نتیجه‌گیری

در قسمت تحلیل اتصالات و انفصالات گفتمانی به این مهم دست یافتیم که پس از گردش ضمائر از "او" به "من" و "تو" و سپس "ما"، کنشگران و گفته پرداز از کثرت به وحدت می‌رسند و این مسئله می‌تواند بیانگر نوعی "ما"ی مطرح شده در عرفان باشد. در این معنا که تغییر ضمائر در انتخاب دو راهبرد نقش دارد راهبرد "کل نگر" که گفته پرداز بر کل گفتمان و موقعیت مسلط است و "انتخابی" که دو کنشگر را برگزیده وسیعی دارد با هر دوی آنها پیوند خورد و وحدت را القا کند، چرا که در عین اتصال در گفته پردازی انفصال گفتمانی رخ داد و در عین انفصال در گفته پردازی اتصال در گفتمان. یعنی گردش ضمائر، اتصالات و انفصالات گفتمانی و تغییر زاویه دید و راهبرد انچنان در هم تنیده شده اند که به گونه ای می‌تواند بیانگر کثرت و وحدت مطرح شده در عرفان نیز باشد.

در مورد کنشگران باید اذعان داشت که زردشت و هوم سوژه‌های کمال یافته هستند که به یک میزان از افعال وجهی برخوردار می‌باشند. و همانطور که دیدیم فعل وجهی "دانستن" غالب گردیده و گفتمان را تحت تسلط خود در می‌آورد و در نتیجه این تسلط بعد شناختی در گفتمان نقش اصلی را ایفا می‌نماید و معنای عرفانی از طریق همین غلبه بعد شناختی که پایه آن فعل وجهی دانستن است، حاصل می‌شود. در پایان این پرسش مطرح می‌گردد آیا این نوع اتصالات و انفصالات گفتمانی در سایر یسن‌ها و به طور کلی تر در اوستا وجود دارد؟ و می‌توان نتیجه گرفت که وحدت و کثرت به نوعی در کل اوستا نقش دارد؟

### کتاب‌نامه:

- آموزگار، ژاله، (۱۳۸۶)، *زبان، فرهنگ و اسطوره (مجموعه مقالات)*، تهران: معین.
- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۹۲)، *راهنمای زبان‌های باستانی ایران*، جلد دوم: دستور و واژه نامه، تهران: سمت.
- پور داود، ابراهیم، (۱۳۱۶)، *یسناء، جلد اول، جزوی از نامه مینوی اوستا*، بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی.
- پور داود، ابراهیم، (۱۳۷۷)، *یشت‌ها، جلد اول*، تهران: انتشارات اساطیر.
- پور داود، ابراهیم، (۱۳۸۷)، *یسناء (جلد اول)*، جزوی از نامه مینوی اوستا، تهران: انتشارات اساطیر.
- ذوقی، سهیلا، (۱۳۹۱)، «زیباشناسی در عرفان زردشتی و مشترکات آن با عرفان مولانا جلال الدین محمد بلخی»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳. ۳۰۲-۲۸۳.



راشد محصل، محمد تقی (۱۳۶۴)، *درآمدی بر دستور زبان اوستایی*، بررسی یسن نهم، تهران: انتشارات کاریان.

رحیمی ایمن، منظر (۱۳۶۵)، "بررسی هوم یشت" رساله دکتری به راهنمایی آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، دانشگاه تهران  
 شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان*. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی  
 دانشگاه ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه ی علوم انسانی.

منصوری، سکینه (۱۳۷۳)، "صنایع بدیعی و آرایشهای هنر در یشت ها" پایان نامه کارشناسی به راهنمایی آقای دکتر محمد رضا  
 دستغیب بهشتی،

BERTRAND, Denis, (2000), *Précis de sémiotique littéraire*, Paris : Nathan.

FONTANILLE, Jacques, (1999), *Sémiotique et littérature*, Paris : PUF.

RIEGEL, Martin, PELLAT, Jean-Christophe, RIOUL, René, (1994), *Grammaire méthodique du français*, Collection Quadrige, Manuels, Paris : PUF.

A. V. Williams Jackson, (1892), *An Avesta Grammar in comparison with sanskrit*, Part I, Stuttgart: W. Kohlhammer.

## Semiotics Analysis of properties enunciations in Avesta (Yasn 9 and 10)

### Abstract

In this paper, we intend to study the enunciation of properties in Yasns 9 and 10 of the Avesta. Yasns are the three important chapters. Their language is one of the largest and oldest parts of the Avesta. The Yasns are divided into 72 parts or Ha. One of the features of enunciation is the use of pronouns and verb endings as grammatical morphemes that applied differently. First-person singular, first person plural, third person plural etc. This change is constantly and cause the embrayages and debrayages that produce meaning. On the other hand, modal verbs such as a Want, Can, Must, etc play an important role in the production of meaning of the speech. The method used is the semiotics of the Paris school. The objective of this research is to show how meaning occurs and what are the modes of enunciation in Yasns 9 and 10 of the Avesta.

**Keywords:** Yasn 9 and 10, Enunciation, Pronouns, modal verbs

- 
- <sup>i</sup> Inflectional Bound Morpheme
  - <sup>ii</sup> Ērān vēj
  - <sup>iii</sup> Algirdas-Julien GREIMAS
  - <sup>iv</sup> Jacques FONTANILLE
  - <sup>v</sup> Denis BERTRAND
  - <sup>vi</sup> Claude ZILBERBERG
  - <sup>vii</sup> James DARMSTETER
  - <sup>viii</sup> Jean KELLENS
  - <sup>ix</sup> Figuratif
  - <sup>x</sup> Débrayage
  - <sup>xi</sup> Embrayage
  - <sup>xii</sup> Savoir-vouloir

این مقاله پیش از این در نشریه جستارهای زبانی منتشر شده است